صدای ایران

ویژه دفاع مقدس
مردم ایران
در برابر آمریکا و رژیم صهیونی

۵۲۲

روزنامه اینترنتی
KHAMENEI.IR
چهارشنبه ۴ آذر ۱۴۰۵



این شماره تقدیم میشود به
شهید
امیرحسین صالحی
گروهبان یکم پلیس راهنمایی و رانندگی که در حمله تروریستی آمریکایی-صهیونی به تهران در اسفند ماه ۱۴۰۴ در جنگ تحمیلی سوم به شهادت رسید.



رسانه رهبر انقلاب
@Rahbarenghelab_

ارتش اسلام اینک با دو ارتش رأس جبهه‌ی کفر و استکبار، پنجه در پنجه درافکنده و ضعف و مَذلّت آنان را در انظار جهانیان نمایان ساخته است؛ همانطور که پهپادهای آن صاعقه‌وار بر جانیان آمریکایی و صهیونی وارد می‌آید، نیروی دریایی دلاورش آماده است تا تلخی شکست‌های جدیدی را به کام دشمنان بچشاند. ۱۴۰۵/۱/۲۹

شکستن محاصره دریایی بخشی از مسیر پیش رفتن به سوی ایران قوی است

محاصره باید شکسته شود



سرمقاله

برای اینکه ببرسیم آیا شکستن محاصره اقتصادی ضرورتی دارد یا خیر، باید از تصویری آغاز کنیم که برای آینده کشور در ذهن داریم. یعنی خواسته‌های ما برای پایان یافتن جنگ و تصویرمان از فردای آن، مطالبه ما برای ایرانی با اقتصادی بزرگ‌تر، صنعتی پویاتر، قدرت خرید بالاتر مردم، فرصت‌های شغلی بیشتر برای جوانان و سهمی تعیین‌کننده در مناسبات اقتصادی غرب آسیا. اگر چنین آینده‌ای را برای کشور متصور هستیم، باید به این پرسش پاسخ دهیم که آیا اساساً در شرایط تداوم محاصره، دستیابی به این اهداف امکان‌پذیر است؟ آیا می‌توان از رشد پایدار اقتصادی سخن گفت، اما امنیت تجارت خارجی و مرزهای تجاری کشور همچنان تحت فشار مستقیم دولت آمریکا باشد؟ مسئله شکستن محاصره را باید از این نقطه عزیمت فهم کرد و توضیح داد. یعنی دقیقاً از چشم‌انداز پیشرفت ایران و الزامات تحقق «ایران قوی». اقتصاد ایران برای موقعیت تازه و بالاتری که در آن قرار گرفته است، به گردش و تجارت گسترده کالا، سرمایه و فناوری نیاز دارد. کارخانه ایرانی برای توسعه خطوط تولید خود باید بتواند ماشین‌آلات وارد کند، تولیدکننده باید به بازارهای جهانی دسترسی داشته باشد و سرمایه‌گذار باید بتواند برای چند سال آینده برنامه‌ریزی کند. یعنی باید بتوان یک فضای اطمینان نسبی را نسبت به آینده حاکم کرد. محاصره اقتصادی تمام این فرایندها را دشوارتر، پرهزینه‌تر و نامطمئن‌تر می‌کند. حق اگر اقتصاد کشور بتواند با محدودیت‌های موجود سازگار شود و بسیاری از نیازهای خود را تأمین کند، میان توانایی اداره کشور در شرایط محاصره و امکان دستیابی به رشد اقتصادی بالا، فاصله قابل توجهی وجود دارد. هنر ما در سال‌های گذشته، حفظ حیات و ظرفیت‌های اقتصادی کشور در برابر فشارهای خارجی بوده است. اما افق پیش روی ایران باید به مراتب بلندتر باشد.

از همین منظر، داشتن تصویری از فردای جنگ نیز اهمیت می‌یابد. اگر پس از توقف درگیری‌های نظامی، آمریکا همچنان بتواند مسیرهای تجارت ایران را محدود کند و بر درآمدهای ارزی، هزینه تولید و معیشت مردم فشار وارد آورد، بخش مهمی از منازعه به قوت خود باقی مانده است. پیامد اقتصادی استمرار این شرایط نیز در کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری، افزایش هزینه مبادلات تجاری، دشوارتر شدن توسعه صنعتی و محدود شدن امکان بهبود رفاه عمومی، خود را نشان می‌دهد. بنابراین، شکستن محاصره باید یکی از معیارهای اصلی ارزیابی پایان جنگ باشد.

این مسئله با آینده نظم منطقه‌ای غرب آسیا نیز پیوند خورده است. جمهوری اسلامی ایران با برخورداری از منابع عظیم انرژی، دسترسی به آب‌های شمالی و جنوبی، بازار داخلی گسترده و ظرفیت‌های صنعتی، استعداد تبدیل شدن به یکی از قطب‌های اقتصادی منطقه را دارد. همان چشم‌اندازی که رهبر معظم انقلاب از آن تحت عنوان «طلیعه نظم جدید منطقه و جهان» یاد می‌کنند. با این حال، تحقق چنین جایگاهی مستلزم برخورداری از استقلال عمل در مناسبات تجاری و اقتصادی است. اگر دسترسی کشور ما به بازارهای جهانی در معرض تصمیم یک قدرت خارجی باشد، برای شکل دادن به نظم اقتصادی پیرامون خود با محدودیت‌های جدی مواجه خواهیم بود.

البته شکستن محاصره نیز یک اقدام منفرد نیست که بتوان آن را به تصمیمی در یک حوزه خاص فروکاست. این هدف طیفی از اقدامات اقتصادی، تجاری، دیپلماتیک، امنیتی و حتی نظامی را در بر می‌گیرد. تغییر آرایش تجارت خارجی، فعال‌سازی ظرفیت‌های دریای کاسپین، توسعه مسیرهای زمینی و ریلی، تعمیق مناسبات صنعتی با دیگر کشورها، گسترش همکاری‌های اقتصادی با همسایگان و بهره‌گیری سنجیده از موقعیت راهبردی ایران در تنگه هرمز، اجزای مختلف این سیاست هستند. هیچ‌یک از این مسیرها ضرورت دیگری را منتفی نمی‌کند و پیشبرد هم‌زمان آن‌ها می‌تواند دامنه انتخاب‌های کشور را گسترش دهد.

از سوی دیگر، اهمیت شکستن محاصره به اندازه‌ای است که استمرار آن می‌تواند احتمال بازگشت منازعه به عرصه نظامی را نیز افزایش دهد. طرح مجدد گزینه‌های نظامی برای شکستن محاصره که در مواضع اخیر مسئولان کشور بازتاب یافته است را باید در پرتو همین اهمیت ارزیابی کرد. آنچه نباید از نظر دور بماند، هزینه انباشت تداوم محاصره است. هزینه‌ای که شاید همه آن در یک روز یا یک ماه محسوس نباشد، اما در بلندمدت بر توان تولید ثروت و فرصت‌های پیشرفت نسل‌های آینده اثر می‌گذارد.

از این منظر، کشور نباید افق اقتصادی خود را به اداره موفق کشور در دوران محاصره محدود کند. تجربه موفق مقاومت اقتصادی باید پشتوانه حرکت به سوی مرحله‌ای تازه از پیشرفت باشد. غایت این ایستادگی، ساختن ایرانی است که مردمش از ثمرات قدرت ملی در زندگی روزمره خود بهره‌مند شوند، صنعتش توسعه یابد و اقتصادش بتواند متناسب با استعدادهای تاریخی و جغرافیایی کشور بزرگ شود. از این رو، شکستن محاصره را باید بخشی ضروری از برنامه پیشرفت ایران دانست.

برنامه‌ای برای بازگرداندن فرصت‌هایی که ملت ایران حق برخورداری از آن‌ها را دارد.

جنگ منطقه‌ای

مطالبه‌ای فراتر از یک دادگاه

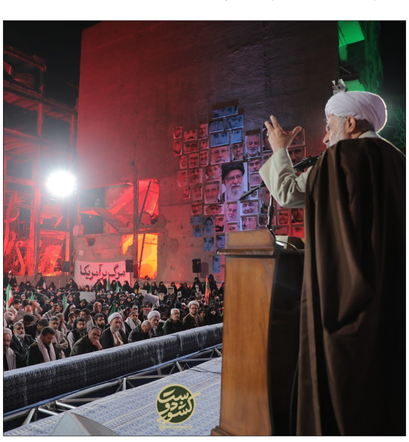
جلسه دادگاه رسیدگی به پرونده جنایات جنگی در حمله به مدرسه شجره طیبه میناب، سوم آذر ۱۴۰۵ برگزار شد؛ اقدامی که در امتداد مطالبه رهبر شهید انقلاب اسلامی در تیرماه ۱۴۰۴ برای پیگیری حقوقی جنایات دشمن علیه ملت ایران صورت گرفت. از نگاه ایشان، پیگیری این جنایات باید هم در محاکم داخلی و هم در محاکم بین‌المللی دنبال شود؛ حق اگر این روند بیست سال به طول بینجامد. نباید تصور شود پیگیری حقوقی جنایات، اقدامی بی‌نتیجه یا صرفاً نمادین است؛ بلکه این مسیر، هرچند زمان‌بر، سرانجام به نتیجه خواهد رسید.

پرونده مدرسه میناب باید نقطه آغاز مسیری گسترده‌تر برای رسیدگی به دیگر جنایات جنگی دشمن علیه ملت ایران باشد. هریک از جنایات ارتکابی دشمن آمریکایی صهیونی باید قابلیت طرح و رسیدگی در محاکم را پیدا کند. البته تحقق این هدف، مستلزم پرهیز از اقدامات نمایشی و عبور از موضع‌گیری‌های صرفاً رسانه‌ای است. آثار آن در پیشرفت مراحل رسیدگی و نتایج حاصل از آن به صورت ملموس دیده شود. رهبر انقلاب اسلامی نیز بر پیگیری حقوقی جنایات جنگ تحمیلی دوم و سوم تأکید دارند و اینگونه متذکر شده‌اند: «آنچه مسلّم است گریبان جنایتکاران را بایستی گرفت و آنان را به سزای اعمال مجرمانه‌شان رساند.» ۱۴۰۵/۰۴/۰۷

آخرین خبر

عهد می‌بندیم که تا گرفتن انتقام خون رهبر شهید آرام نخواهیم گرفت

حجت‌الاسلام والمسلمین طائب رئیس سازمان بسیج مستضعفین در مراسم «هم‌عهدی بسیجیان با رهبر معظم انقلاب» در رواق کشوردوست، طی سخنانی ضمن تبیین تحقق شعار «هر ایرانی یک بسیجی» و ضرورت مقابله با دشمن در عرصه‌های مختلف از جمله نظامی، گفت: عهد می‌بندیم که تا گرفتن انتقام خون رهبر شهید آرام نخواهیم گرفت.



#اعتراف مجله آمریکایی آتلانتیک

خسارات آمریکا در جنگ ایران زیر تیغ سانسور شدید

وفق یک قدرت نظامی مدعی پیروزی است، معمولاً دلیلی برای پنهان کردن صورت‌حساب جنگ ندارد. اما آنچه اکنون از واشنگتن گزارش می‌شود، تصویر متفاوتی را نشان می‌دهد: محدودیت دسترسی خبرنگاران، جلوگیری از بازدید نمایندگان کنگره از پایگاه‌های آسیب‌دیده و ابهام در انتشار آمار واقعی تلفات و خسارات. گزارش مجله آمریکایی آتلانتیک، ابعاد این پنهان‌کاری در جنگ علیه ایران را آشکار کرده است. پنتاگون تاکنون ۴۸ میلیارد دلار هزینه عملیات و مهمات را اعلام کرده، اما هم‌زمان برای تأمین هزینه‌های جنگ و بازسازی تأسیسات نظامی، ۶۷ میلیارد دلار بودجه اضافی درخواست کرده است. آمار رسمی نیز از ۲۳ کشته و بیش از ۸۵۰ زخمی آمریکایی حکایت دارد؛ آماری که با تغییر شیوه ثبت تلفات، با ابهام مواجه شده است. حتی سناتورهای آمریکایی نیز نتوانسته‌اند از پایگاه العدید قطر بازدید کنند یا گزارشی از میزان خسارات آن دریافت کنند. جزئیات حمله به مدرسه میناب هم همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. بنابراین، مسئله فقط هزینه‌های سنگین نیست؛ مسئله این است که ایران توانسته هزینه‌هایی را به حضور نظامی آمریکا در منطقه تحمیل کند که واشنگتن حتی در داخل کشور خود نیز حاضر به شفاف‌سازی درباره آن‌ها نیست. این وضعیت نشان می‌دهد ارزیابی نتیجه این رویارویی را نمی‌توان صرفاً با ادعاهای پنتاگون سنجید. میزان خسارات، هزینه بازسازی، تلفات و محدود شدن نظارت کنگره، همگی بخش مهمی از کارنامه واقعی آمریکا در این جنگ شکست‌خورده هستند.